

مقصود از این که هدایت و ضلالت

در دست خدا است چیست؟

بستگی دارد، پس رسالت پیامبران برای چیست؟

۲. چرا خداوند همه مردم را هدایت نفرموده است؟

برای روشن شدن این موضوع، نخست باید توجه کرد که اگر بخواهیم مطلبی را از دیدگاه قرآن بررسی کنیم باید تمام آیات مربوط به آن مطلب را مورد مطالعه قرار دهیم و از مجموع آنها نتیجه بگیریم زیرا آیات قرآن مفسر یکدیگرند و طبق گفتار معروف «القرآن یفسر بعضه بعضاً»^(۱) آیات قرآن برخی، برخی دیگر را تفسیر می‌کند، باید مجموع آیات را دید و نظر داد.

در قرآن مجید در موارد متعددی هدایت را منوط به خواست و مشیت خدا دانسته چنین می‌رساند که:

هر کس را خدا بخواهد، هدایت می‌کند و هر کس را بخواهد گمراه می‌نماید (سوره ابراهیم، آیه ۴) کسی را که خدا هدایت کند، هیچ کس نمی‌تواند گمراه سازد و کسی را که خدا گمراه کند، هیچ قدرتی نمی‌تواند او را به راه راست هدایت نماید و از انحراف نجاتش بخشد. (کهف، آیه ۱۷).

بنابراین ممکن است سؤالاتی از این قبیل پیش آید:

۱. اگر هدایت افراد به مشیت خدا

«پروردگار ما کسی است که تمام موجودات را آفرید و آنها را راهنمایی فرمود».

۲. هدایت همگانی تشریحی

مقصود از آن تعالیم و قوانینی است که به وسیله پیامبران به مردم ابلاغ شده است، اینک آیاتی که ناظر هدایت تشریحی همگانی است.

خداوند درباره پیامبر می فرماید:

﴿وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ (۲)

«محققاً تو ای پیامبر به راه راست هدایت می کنی».

هدایت در این گونه آیات نیز به معنی نشان دادن راه راست و منظور هدایت (تشریحی) است و نسبت به کسانی که سخن پیغمبر به گوششان می رسد جنبه همگانی دارد، مسلمان و کافر، حقیقت جو و معاند و ... همه از آن بهره مند می شوند خداوند درباره قرآن

با بررسی آیات مربوط به هدایت روشن می گردد، که هدایت در قرآن بر دو نوع است هدایت عمومی و همگانی که تمام افراد بشر را در پوشش خود قرار می دهد و هدایت خصوصی که بستگی به مشیت و لطف مخصوص او دارد و هدایت همگانی گاهی تکوینی است و گاهی تشریحی، اینک بیان هر دو قسم از هدایت همگانی:

۱. هدایت همگانی تکوینی

مقصود از آن این است که تمام موجودات جهان به گونه ای آفریده شده اند که هر کدام به وظیفه طبیعی خویش آشنا می باشند مانند: حرکت سلول های حیاتی، اعمال غریزی حیوانات، اعمال منظم دستگاه های بدن و ... که قرآن مجید تمام آنها را معلول هدایت الهی دانسته است آنجا که می فرماید:

﴿رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ حَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى﴾ (۱)

۱. طه، آیه ۵۰.

۲. شوری، آیه ۵۳.

می فرماید: ﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ﴾. (۱)

هدایت خصوصی وابسته به خواست خدا

آیات فراوانی در قرآن هست که هدایت و گمراهی افراد را منوط به خواست خدا، معرفی کرده است مانند:

﴿فَيُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ...﴾. (۲)

«پس خدا هر که را که بخواهد گمراه و هر کس را بخواهد هدایت می فرماید».

کسی که به طور سطحی به این گونه آیات می نگرد از خود می پرسد چرا خداوند کسانی را که می خواهد هدایت می کند؟

آیات متعددی در قرآن هست گمراهی افراد را موکول به مشیت خدا نموده است بدین معنی که: هر کس را خدا خواست هدایت می کند و هر کس را خواست گمراه می نماید حتی جمله های ﴿يَهْدِي مَنْ

يَشَاءُ﴾ و ﴿يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ﴾ در قرآن تکرار شده است، روی آن پافشاری به عمل آمده تا جایی که در برخی از آنها به پیامبر ﷺ گفته می شود:

﴿إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَخْبَتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾. (۳)

«تو هر که را بخواهی هدایت نمی کنی (یا نمی توانی) بلکه خدا است که هر کس را بخواهد به راه راست راهنمایی می فرماید».

و در مواردی نیز چنین می رساند که اگر خدا می خواست همه مردم را هدایت می نمود مانند این آیه:

﴿وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدًى﴾. (۴)

«اگر می خواستیم تمام مردم را هدایت می کردیم».

کسی که با نظر سطحی به این گونه آیات قرآن نگاه می کند و ممکن است این اشکالات برای او پیش آید که:

۱. اسراء، آیه ۹.
۲. ابراهیم، آیه ۴.
۳. قصص، آیه ۵۶.
۴. سجده، آیه ۱۳.

را هدایت نخواهد نمود و به حال خود واگذار خواهد کرد و مقصود از هدایت و ضلالت در این آیات جز این چیزی نیست.

آنچه لازمه عدل الهی است، همان هدایت عمومی است که در حق تمام افراد بشر از طریق تکوین و تشریح انجام داده است.

ولی هدایت خصوصی از آن کسانی است که از هدایت عمومی بهره گیرند در غیر این صورت از آن استفاده نخواهند کرد و خواست خداوند مربوط به آن گروه است که از هدایت همگانی مانند پیامبر و قرآن استفاده نمایند و يك چنین بهره‌گیری کاملاً يك امر اختیاری است و افراد می‌توانند با پیروی از پیامبر و قرآن خود را در پوشش هدایت خصوصی خدا قرار دهند و در غیر این صورت خود را در وادی ضلالت خدا که همان واگذاردن آنان به حال خود می‌باشد، قرار دهند درست است که هدایت خصوصی مربوط به خواست خدا است ولی چون خواست خدا، منوط به پیروی بندگان از هدایت همگانی است و

اولاً: چرا خدا همه مردم را به راه راست هدایت نمی‌کند؟

ثانیاً: اگر وضع چنین است و هیچ عاملی جز مشیت خدا در هدایت مردم مؤثر نیست. پس، فرستادن پیامبران کار بیهوده‌ای بوده و حتی اکنون هم باید تمام مؤسسات تربیتی و کتاب‌های اخلاقی و مانند اینها را تعطیل کرد و از بین برد.

ثالثاً: این دسته آیات با بسیاری از آیات دیگر قرآن که نوع انسان را مشمول هدایت الهی می‌دانست، هدایت را از وظایف پیغمبر ﷺ می‌شمرد، ناهماهنگ است.

ولی با توجه به يك مطلب، حقیقت روشن می‌گردد و آن این که درست است این هدایت مربوط به مشیت و خواست الهی است ولی خواست الهی نیز بی‌ملاك نیست و ملاك در اختیار خود ما است کسانی که از هدایت عمومی و همگانی استفاده کنند و شایستگی‌هایی کسب نمایند، مشمول این هدایت که همان رسانیدن انسان به سعادت جاویدانه است، خواهند بود و در غیر این صورت او

یافتگان و پویندگان راه بار دیگر با عنایات خاص و هدایت خصوصی به قله‌های منبع انسانیت برساند و به تعبیر خود قرآن:

﴿وَالَّذِينَ اهْتَدُوا زَادَهُمْ هُدًى﴾ (۳)

«آنان که هدایت را پذیرفته‌اند، خدا بیشتر هدایت می‌کند».

روی همین اصل می‌بینیم قرآن در يك جا هدایت را از آثار و نتایج جهاد و کوشش در راه خدا دانسته می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا﴾ (۴)

«مجاهدان را به راه خویش هدایت می‌کنیم».

و از طرف دیگر، مشیت خدا بر این تعلق گرفته که بدکاران و کسانی را که خود در راه‌های انحرافی گام نهاده‌اند و لیاقت بهره‌وری از مراتب والای هدایت را از دست داده‌اند، به حال خود بگذارد و هدایتشان نکند و همین امر موجب گمراهی بیشتر آنان خواهد شد (زیرا با هر قدمی که در بیراهه برمی‌دارند از راه راست بیشتر فاصله

آن کاملاً در اختیار آنها است، قهراً هدایت خصوصی نیز در اختیار ما خواهد بود و....

برای این که موضوع روشن‌تر گردد، مثالی می‌آوریم:

فرض کنید عده‌ای بر سر يك چهار راه ایستاده‌اند و سراغ محلی را می‌گیرند شخصی آنان را به یکی از خیابان‌ها راهنمایی می‌کند گروهی از آنان می‌پذیرند و در همان مسیر راه می‌افتند، این گروه وقتی به چهار راه دوم و سوم می‌رسند باز هم راهنمایی می‌شوند تا به مقصد می‌رسند ولی کسانی که همان جا مانده‌اند یا در راه دیگر گام نهاده‌اند و منحرف شده‌اند لحظه به لحظه از راه اصلی و مقصد دور می‌شوند و دیگر زمینه‌ای برای راهنمایی بعدی آنان باقی نمی‌ماند.

خدا نیز نخست همگان را طبق آیه ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ﴾^(۱) و هَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ^(۲) هدایت فرموده است سپس مشیت او بر این قرار گرفته است که راه

۱. دهر، آیه ۳.

۲. بلد، آیه ۱۰.

۳. محمد، آیه ۱۷.

۴. عنکبوت، آیه ۶۹.

می‌افتاد. و قدرت تخلف از انجام اعمال غریزی را نداشت و ناچار بود متناسب با زندگی خویش، چون (زنیور غسل کندویی بسازد یا مانند کرم ابریشم برگرد دور خود پيله‌ای بیافد یا ...).

اما اکنون انسان است و به مشیت خدا آزاد است خدا قدرت انتخاب به او داده است تا راه تکامل را با پای خود برود و این راه تا (بی‌نهایت) برای او باز است.

پس بیان قرآن در این مورد همچون لحن آموزگاری است که به شاگردان خویش می‌گوید: ما درس‌های لازم را به شما داده‌ایم و اینک هر کدام از شما که درس را خوب فرا گیرد نمره خوب به او خواهیم داد و ما هر کس را بخواهیم قبول یا رد می‌کنیم و هیچ مقامی نمی‌تواند به ما اعتراض کند و نظر ما را برگرداند و ...

می‌بینیم قبول نمودن و مردود ساختن دانش آموز را مربوط به خواست خود می‌داند اما با در نظر گرفتن صلاحیت و تحصیل و شایستگی خود دانش آموز.

می‌گیرند) درست است که خدا هر که را بخواهد گمراه می‌کند اما چه کسانی را می‌خواهد گمراه کند قرآن مجید به این سؤال پاسخ می‌دهد:

﴿وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ﴾. (۱)

«جز بدکاران را گمراه نمی‌کند».

و در جای دیگر می‌فرماید:

﴿فَلَمَّا رَأَوْا آرَاغَ اللَّهِ قُلُّوا بِهِمْ﴾. (۲)

«هنگامی که منحرف شدند، خدا

دل‌هایشان را منحرف می‌کند».

آری خدا می‌توانست و می‌تواند همه را به راه راست هدایت کند و به پویندن این راه مجبور سازد چنان که می‌فرماید:

﴿وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هَدَاهَا﴾. (۳)

«اگر می‌خواستیم تمام مردم را هدایت می‌کردیم».

اما در این صورت دیگر انسان، انسان نبود، بلکه يك ماشين گروشي بود که با فشردن دکمه‌ای بدون این که خود بخواهد و بداند در راه تعیین شده‌ای به کار

۱. بقره، آیه ۲۶.

۲. صف، آیه ۵.

۳. سجده، آیه ۱۳.